

هوشنگ امیر احمدی: ما در حال بازگشت به دوران سعید امامی هستیم

سازمان دیده‌بان حقوق بشر با صدور بیانیه به دستگیری هاله اسفندیاری، محقق ایرانی/آمریکایی در تهران اعتراض کرد. بنابه گفته دیده‌بان حقوق بشر خانم اسفندیاری پس از بازداشت تحت فشار قرار گرفته تا اعتراف اجباری کند. دکتر هوشنگ امیر احمدی در مصاحبه با دویچه وله می‌گوید اشتباه خانم اسفندیاری این بوده که در کوششهای خود برای گفتگوی ایرانیان و آمریکا، بیشتر طرفداران اصلاحات را وارد میدان کرده است.



دکتر هوشنگ امیر احمدی، استاد دانشگاه راتگرز و رئیس شورای آمریکاییان و ایرانیان

مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح

دویچه وله: شما به عنوان رییس شورای آمریکاییان و ایرانیان، احیانا آشنایی با همکاری با خانم هاله اسفندیاری داشته‌اید؟

هوشنگ امیر احمدی: بله! من خانم اسفندیاری را سالهاست که می‌شناسم. دکتر شانول بخاش همسر ایشان را هم می‌شناسم. هر دو قبل از اینکه به واشنگتن بروند، در دانشگاه پرینستون بودند. ما در جلسات متفاوت آکادمیک و اجتماعی یکدیگر را ملاقات می‌کردیم و بعد هم که رفتند واشنگتن، این ارتباط حفظ شده بود.

دویچه وله: خانم دکتر اسفندیاری شهرت دارند به ترویج گفتگو میان محققان ایرانی و آمریکایی. اطلاع دارید ایشان چه ترویج می‌کردند؟ به چه ترتیب؟

هوشنگ امیر احمدی: خانم اسفندیاری مدیر بخش مطالعات خاورمیانه مرکز بین‌المللی ویلسون در شهر واشنگتن هستند. این مرکز بسیار مهم است و کارش در مورد مسایل بین‌المللی است که ایران یکی از آنهاست. در این مرکز کارهای تحقیقی و آموزشی با هدف ترویج درک بهتر از کشورها و دولت‌ها در آمریکا صورت می‌گیرد. معمولاً این مرکز سعی می‌کند در چارچوب قوانین بین‌المللی، جریان‌های دمکراتیک را در این کشورها تقویت کند.

دویچه وله: دیده‌بان حقوق بشر در اعتراض به دستگیری خانم اسفندیاری بیانیه داده و نوشته که رییس جمهور ایران به صورت ناامیدانه‌ای تلاش می‌کند منتقدان دولت خود را بعنوان مهره‌های آمریکا بی‌اعتبار کند. خانم اسفندیاری چگونه منتقدی بودند؟

هوشنگ امیر احمدی: ایشان راستش در این جریان‌های انتقادی نبود و بیشتر یک وسیله بود. کسی نبود که اینور و آنور برود و سخنرانی کند و کتاب و مقاله بنویسد. کار ایشان بیشتر این بود که محققان و صاحب‌نظران را جمع کند، برایشان کنفرانس بگذارد و امکانات تحقیق برایشان فراهم کند. خانم اسفندیاری نقشی ایدئولوژیک و فکری نداشت. در دانشگاه پرینستون ایشان از طرف مرکز پولی داشت که از آن استفاده می‌کرد و جلسات متفاوت در مورد ایران می‌گذاشت. ایشان در مرکز مطالعات خاورمیانه مسئولیت‌اش تنها روی ایران بود. مرتب سالی یکی دوبار ایران می‌رفت و آنجا افرادی را که فکر می‌کرد حرفی برای گفتن دارند که در آمریکا شنیده نشده، می‌آورد و خرج هتل و سفرشان را می‌داد. برخی از اینها را حتی برای چند ماهی در مرکز نگاه می‌داشت و می‌گذاشت در مورد مسائل ایران تحلیل بدهند. کار خانم اسفندیاری این بود. کتاب و مقاله خاصی ندارد. کارش بیشتر این بود که بین آمریکا و ایران در رابطه با حقوق بشر و دمکراسی، میانجیگری کند.

دویچه وله: اتفاقاً در خبرها هست که خانم اسفندیاری مورد سرزنش خود ایرانیان مخالف دولت هم بوده که طرز فکر و فعالیت‌هایشان را همسویی با نظام جمهوری اسلامی و تبلیغ برای آن تلقی می‌کرده‌اند...

هوشنگ امیر احمدی: خانم اسفندیاری فعالیت‌هایش را در زمان دولت کلینتون شروع کرد و آن موقع آقای خاتمی سرکار بود. بعد هم که بوش آمد هنوز آقای خاتمی بود. خانم اسفندیاری می‌گفت خاتمی رفرمیست است و می‌تواند در ایران تغییر ایجاد کند، بنابراین ایرانیان رفرمیست را تشویق می‌کرد و به مرکز می‌آورد تا صدایشان را به گوش آمریکاییان برساند. بعد که بوش سرکار آمد، دیگر محافظه‌کاران جدید سرکار بودند. اینها خیلی از کارهای خانم اسفندیاری خوششان نمی‌آمد و نقد می‌گذاشتند. از طرف دیگر، یکدسته ایرانی‌ها هم بودند که می‌خواستند حکومت سرنگون شود و بین جناح رفرمیست و راست حکومت فرقی نمی‌گذاشتند. بنابراین از این که خانم اسفندیاری با جناح رفرم نزدیک است و می‌خواهد آنها را عمده کند، خوششان نمی‌آمد. این را هم بگویم که خانم اسفندیاری در چند مورد سعی کرد از جناح راست هم کسانی را به آمریکا بیاورد اما موفق نشد. ایشان هر کس را که آورد، تقریباً رفرمیست و مخالف دست‌راستی‌های حکومت ایران بود. مشکل اساسی خانم اسفندیاری از اینجا شروع شد. پلی که ایشان زد، بین جناح رفرمیست ایران و آمریکا بود نه بین ایران و آمریکا. اشتباه بزرگ ایشان این بود که متوجه نشد که باید جناح راست را به هر قیمتی شده وارد میدان کند و گر نه کارش، آینده درخشانی نخواهد داشت. چوبی که خانم اسفندیاری می‌خورد، به نظر من به همین خاطر است. جناح راست ایشان را مبلغ جناح رفرم می‌داند.

دویچه وله: آیا شما فکر می‌کنید دستگیری خانم اسفندیاری، خانم عظیما یا خانم دیگری که اسمش علنی نشده و هر سه از آمریکا به ایران رفته‌اند، یک پروژه است؟

هوشنگ امیر احمدی: حکومت آقای احمدی‌نژاد نسبت به روشنفکران و دانشگاهیان بسیار حساسیت دارد. به این گروه دبیین هستند و احساس‌شان اینست که کسانی مثل خانم اسفندیاری پروژه "سرنگونی در سکوت" را پیش می‌برند. می‌خواهند حکومت را از طریق مذاکره و سخنرانی و مباحثه از بین ببرند. حرف اینها اینست که خانم اسفندیاری با گروهی کار

می‌کند که هدف‌اش ایجاد انقلاب مخملی در ایران است. به کسانی که در رادیو فردا و صدای آمریکا کار می‌کنند، شدیداً مشکوک هستند. ضمناً این را هم می‌دانند که نیروی دیگری هم هست که می‌خواهد جمهوری اسلامی را از طریق زور و نظامی سرنگون کند، اما احساس جمهوری اسلامی اینست که نیروی اول خطرناک‌تر است. فکر می‌کنند نیروی دوم که موافق نظام‌گیری و زور است، به این سادگی وارد میدان مبارزه با ایران نمی‌شود. اما نیروی فرهنگی همین الان در صحنه است و کنترل‌اش هم آسان نیست. این بودجه ۷۵ میلیونی وزارت‌تجاره آمریکا برای تبلیغ در ایران، خیلی نقش در این جریان دارد. جمهوری اسلامی و جناح راست از این موضوع خیلی استفاده کرده و نتیجه‌اش این شده که هر کس که بهر دلیل، هر نوع نزدیکی به دولت آمریکا و دستگاه‌هایی که از دولت آمریکا پول می‌گیرند، مورد سوءظن است. به نظر من این حکومت الان این نیرو را هدف قرار داده و دارد دامنه‌اش را وسیع می‌کند. این دستگیری‌ها نگران‌کننده‌اند و من فکر می‌کنم اگر این جریان ادامه پیدا کند، ما در حال بازگشت به دوران سعید امامی و کشتارهای زنجیره‌ای هستیم.